

شکنج، جابه‌جائی جمعیت و رفتار غیرانسانی با شورشیان زده‌اند به عنون جنایتکار تلقی می‌شوند و می‌توانند در پیشگاه دادگاه بین‌المللی مورد مؤاخذه قرار بگیرند و محاکمه و مجازات شوند. این سؤال مطرح است که در چه شرایطی یک دولت می‌تواند از اجرای تعهدات خود شانه خالی کند و به آنها عمل نکند، بدون اینکه عدم اجرای این تعهدات مسؤلیت‌زا باشد. در خصوص این مسأله کمیسیون حقوق بین‌الملل به این نتیجه رسیده است که فقط در صورتی که اضطرار ایجاب بکند، دولت می‌تواند از اجرای تعهدات خود خودداری کند به نحوی که این عدم اجرای تعهد مسؤلیت‌زا نباشد و اضطرار را هم کمیسیون حقوق بین‌الملل تعریف کرده است. منظور از آن این است که وقایعی رخ دهد که تمامیت ارضی و استقلال سیاسی آن دولت را به مخاطره اندازد.

به عبارتی دولت تنها در صورتی می‌تواند اعلام حکومت نظامی بکند که ادامه حیات آن دولت و استقلال سیاسی و تمامیت ارضی آن در معرض خطر باشد و به نظر می‌رسد در قالب میثاق حقوق سیاسی و مدنی ۱۹۶۶ تنها دلیل قانع‌کننده‌ای که یکی از دولتهای عضو این میثاق می‌تواند در جهت توجیه توسل به حکومت نظامی به دولت دیگر ارائه بکند همین باشد. به عبارت دیگر، یک مسأله جزئی و درگیری که احتمالاً عواقبی در ارتباط با تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت ندارد نمی‌تواند دلیلی باشد برای توسل به حکومت نظامی و نهایتاً به حالت تعلیق درآوردن حقوق شهروندان دولت مورد نظر. بنابراین، در حقوق درگیریهای مسلحانه مفهوم ضرورت یک مبنای عرفی دارد.

دکتر نسرین مصفا\*

### «آثار اقدامات بین‌المللی بر وضعیت زنان جهان»

در تاریخ ۱۳۷۷/۷/۲۰

موضوع زنان هم مانند برخی از موضوعاتی که امروزه به‌عنوان علائق مشترک بشری مطرح می‌شوند مانند حقوق بشر، محیط زیست، مواد مخدر و خلع سلاح به‌عنوان یکی

از مهمترین موضوعات در دستور کار جهانی قرار دارد. اقدامات سازمان ملل متحد که در حقیقت اقدامات بین‌المللی را بیشتر جهت داده است، در چهار دوره متمایز به این ترتیب است:

#### دوره اول: ۱۹۵۴-۶۳

در این دوره بیشتر اقدامات جامعه بین‌المللی و ویژه سازمان ملل، به ارتقاء وضعیت حقوقی زنان در عرصه بین‌المللی معطوف بود. کنوانسیون حقوق سیاسی زنان در سال ۱۹۵۲ تصویب شد. همچنین کنوانسیون تابعیت زنان متأهل، کنوانسیون ثبت ازدواج، حداقل سن ازدواج، رضایت در ازدواج در این دوران تصویب شدند. این مشکلات بیشتر در کشورهای در حال توسعه مطرح بود. و بیشترین توجه را در سازمان ملل به خود جلب کرد.

#### دوره دوم: ۱۹۶۲-۷۵

سازمان ملل متحد نسبت به وضعیت زنان در سراسر جهان توجه عمیقتری می‌نماید. جامعه بین‌المللی متوجه شد که مشکل زنان را فقط در چارچوب معاهدات بین‌المللی و یا اعطای حقوق برابر به زنان نمی‌توان حل کرد. در این دوره بر روی تغییر باورها، نگرش‌ها و بطور کلی نسبت به وضعیت عمومی زنان توجه ویژه‌ای مبذول می‌شود. شاید اعلامیه رفع تبعیض در سال ۱۹۶۷ تجلی این خواست جامعه بین‌المللی است که در آن خواستار رفع تبعیض کامل و هم‌جانبه نسبت به زنان مطرح می‌شود.

#### دوره سوم: ۱۹۷۵-۸۵

این دوره دهه بین‌المللی زن اعلام می‌شود. اولین کنفرانس جهانی زن در نیومکزیکو برگزار می‌شود و ۱۳۲ کشور جهان در این کنفرانس شرکت می‌کنند و سازمان‌های غیردولتی هم نقش مهمی در این کنفرانس داشتند. سه موضوع اصلی برابری، توسعه و

این کنوانسیون خواستار اقدامات عملی کشورها در زمینه رفع تبعیض نسبت به زنان می‌شود. کلیه مسائل مرتبط به زنان در زمینه تابعیت، مشارکت سیاسی، آموزش، اشتغال، زنان روستایی، وضعیت خانوادگی و کلیه موضوعاتی که برای حقوق انسانی زن مطرح است، در این کنوانسیون تمهیدات ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد.

در ۱۹۸۰ کنفرانس کپنهاک تشکیل می‌شود. این دومین کنفرانس جهانی زن است. سه موضوع اصلی یعنی: برابری، توسعه و صلح، همچنان در کنفرانس کپنهاک به عنوان موضوعات اصلی، مطرح شد. یکی از دستاوردهای کنفرانس کپنهاک علاوه بر اعلامیه نهایی، مسأله لزوم ایجاد نهادهای خاص زنان در کشورهای مختلف است. در سال ۱۹۸۵ کنفرانس نایروبی برگزار شد. این کنفرانس که یکی از بزرگترین گردهمایی‌های سازمان ملل متحد در زمان خودش بوده شاهد تدوین استراتژی آینده‌نگر نایروبی بود که خواهان ارتقاء وضعیت زنان تا سال ۲۰۰۰ است و در مورد کلیه موضوعاتی که مربوط به زنان است نظیر: آموزش، مشارکت سیاسی، بهبود وضعیت اقتصادی، اشتغال، وضعیت زنان پناهنده، وضعیت زنان در تعارضات مسلحانه، وضع حقوقی خانواده در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تمهیدات اجرایی دارد.

#### دوره چهارم: ۱۹۸۵ تاکنون

کنفرانس پکن نقطه عطفی در این دوره است که در آن مطرح می‌گردد موضوع زنان به سایر موضوعات مهم بشری گره بخورد، چرا که حل بسیاری از مشکلات بشری در سطح بین‌المللی، مانند فقر، بهداشت، مسأله کنترل جمعیت، مواد مخدر و بسیاری دیگر از موضوعات در رابطه تنگاتنگ با بهبود وضعیت زنان است.

دهه هشتاد و بویژه اواخر این دهه، موضوع رفع خشونت نسبت به زنان یکی از علقه‌های مهم سازمان ملل متحد در زمینه زنان بوده است که در کنفرانس وین به این موضوع توجه‌ای ویژه می‌گردد. بعد از کنفرانس وین، کنفرانس ۱۹۹۴ قاهره راجع به «توسعه و جمعیت» در مورد تنظیم و کنترل جمعیت، بحث‌های متعددی درباره نقش

راهکارها (لااقل راهکارهای نظری) اقدامات مثبتی انجام داده است. ولی به هر حال، اجرای عملی راهکارهایی که مطرح می‌شود، نیازمند توجه بیشتری است و در حقیقت به یک سلسله مشکلات ساختاری در سطح بین‌الملل بر می‌گردد. یکی از آنها تفاوتی است که بین کشورهای پیشرفته و در حال توسعه وجود دارد و به خصوص اگر تأکید خاص بر روی مسأله زنان، که صحبت اصلی من است، داشته باشم، مشکلات زنان در بسیاری از جوامع واقعاً فراتر از مسائل حقوقی و صرف اعلامیه‌ها و طرح یکسری موضوعات است. همیشه داشتن حقوق برابر منجر به حل مشکلات زنان نبوده است. مشکلات زنان، مشکلی است به قدمت تاریخ. شاید بسیاری از مشکلاتی که امروزه زنان در کشورهای در حال توسعه به صورت مضاعف تحمل می‌کنند به دلیل توسعه ناهماهنگ سریع و ناموزونی بوده که در این کشورها رخ داده و باعث ایجاد نقش‌های متفاوت برای زنان شده که در خیلی از مواقع به بهبود وضعیت آنها کمک نکرده است. سازمان ملل مسائل مختلف زنان را روشن و ارائه کرده و راهکارهایی هم ایجاد کرده ولی واقعاً به علت مشکلات ساختاری، و مشکلات فرهنگی و مشکلات عمیقی که وجود داشته واقعیت عملی زندگی زنان در سراسر جهان با اسناد زیبا و کنفرانسهای بین‌المللی تفاوت‌های بسیار زیاد دارد.

دکتر جواد شیخ الاسلامی<sup>\*</sup>

«کنوانسیون قسطنطنیه (۱۹۱۵) و تأثیر الغاء آن بر سرنوشت سیاسی ایران»

در تاریخ ۱۳۷۷/۸/۲۵

روسیه و انگلیس از جمله کشورهای استعمارگر اروپایی بودند که در تصرف ایران با یکدیگر رقابت می‌داشتند. انگلیسیها جایگاهشان را در خلیج فارس تثبیت نموده بودند و از منابع نفت آن بهره می‌بردند، در حالی که هدف روسیه دستیابی به آبهای گرم خلیج فارس و اقیانوس هند بود، اگر چه شمال ایران را در استعمار خود داشت. انگلیسیها